

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۹ - شماره ۱۸ - پاییز و زمستان ۹۷

صفحات ۱۶۵ - ۱۹۲

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی

سیدمهدی رحیمی* / فرشته گل سرخی** / محمد بهنام فر* / اکبر شایان سرشت*

چکیده

در این مقاله، پس از شرح مختصری درباره نزاری قهستانی و منظومه ازهر و مزهر وی، مقوله‌هایی تحت عنوان سبک، سبک‌شناسی و سبک‌شناسی لایه‌ای تعریف شده است. سپس بر مبنای فرمول کوکران، از این منظومه نمونه‌گیری شد و بر اساس روش‌های آماری، مؤلفه‌هایی چون ترتیب اجزای جمله‌ها، سبک و ساختمان جمله‌ها، طول جمله‌ها، جهت، نقش معنایی جملات و صدای دستوری بررسی گردید. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد با آنکه این اثر منظوم است، اما بیش از ۶۰ درصد جملات، چیدمان طبیعی و معیار دارند. میانگین طول جمله‌ها ۵/۴۰ واژه است؛ در نتیجه، جملات کوتاه، روشن و صریح هستند. باتوجه به اینکه ۸۰/۵۸ درصد جملات، ساده و مستقل‌اند، سبک این اثر گسسته است. ۹۰/۰۹ درصد جملات، در وجه اخباری و نزدیک به ۹۰ درصد جملات، خبری هستند که نشان‌دهنده قاطعیت گزاره‌هاست. ۷۳/۱۰ درصد جملات، صدای فعال دارند که باتوجه به اینکه این منظومه، اثری غنایی - حماسی است و فاعلی کنشگر می‌طلبد، این درصد (۷۳/۱۰)، طبیعی و به‌جا است.

کلیدواژه: سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه نحوی، نزاری قهستانی، منظومه ازهر و مزهر.

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند (نویسنده مسئول) golsorkhi@birjand.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۲/۲۹ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۰۶/۱۳

۱. مقدمه

سعدالدین بن شمس الدین بن میرمحمد نزاری قهستانی، از شاعران فارسی‌زبان نیمه دوم قرن هفتم هجری شمسی است. وی در سال ۶۴۵ هجری قمری در روستای فوداج از توابع بیرجند (مرکز استان خراسان جنوبی) چشم به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی را تحت تعلیم پدر بود. دیدگاه او نسبت به جهان و شکل‌گیری اندیشه‌هایش تحت تأثیر همین آموزه‌ها است (بای بوردی، ۱۳۷۱: ۴۹).

درباره دلیل تخلص وی اختلاف نظر است. برخی سبب تخلص وی را به نزاری، لاغری و ضعفی وی یا انتساب او به نزار مستنصر بن اسماعیل می‌دانند (صفا، ۱۳۷۸: ۷۳۴). نزاریه یکی از فرقه‌های اسماعیلیه است که پس از مرگ المستنصر بالله در ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی شکل گرفته است. چنین به نظر می‌رسد که یکی از دلایل بی‌توجهی به او و آثارش، مذهب اوست، تا جایی که حتی در زادگاهش، بیرجند، نیز با وجود آثار فراوان و گران‌قدر، تا همین اواخر گمنام مانده است.

او در جوانی، ادبیات و علوم متدوال را فراگرفت، به خدمات دیوانی پرداخت و پس از چندی به همراه یکی از دوستانش به اصفهان، تبریز، اران، گرجستان، ارمنستان، اردبیل و ابهر سفر کرد و بعد از دو سال، به قهستان بازگشت، ازدواج کرد و صاحب سه پسر شد. حکیم سال‌های پایانی زندگی‌اش را در انزوا به سر برد. او در سال ۷۲۰ یا ۷۲۱ هجری وفات کرد و در بیرجند به خاک سپرده شد. آثار مهم حکیم نزاری عبارت‌اند از: *دیوان*، *سفرنامه*، *ادب‌نامه*، *ماجرای شب و روز*، *مثنوی ازهر و مزهر* و *دستورنامه* که مشهورترین مثنوی نزاری است (بای بوردی، ۱۳۷۱: ۸۷-۴۳). وی یکی از برجسته‌ترین شاعران خراسان جنوبی است که با توجه به آثارش می‌توان او را جزء شاعران طراز اول این استان به شمار آورد. او در عرصه غزل، با ترکیب عشق و عرفان و غزل تلفیقی، پیشگام حافظ است.

درباره اهمیت مقام علمی و ادبی نزاری، همین بس که حافظ شیرین سخن در غزل، تحت تأثیر او بوده است و این قولی است که اکثر حافظ‌شناسان بدان تصریح کرده‌اند؛

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی _____ ۱۶۷
از جمله حافظ‌شناس معاصر، بهاء‌الدین خرمشاهی، در حافظ‌نامه بیت‌هایی را که حافظ
در سرایش آن‌ها به نزاری توجه داشته، نقل کرده است.

داستان/ازهر و مزهر، ده هزار و ششصد و دوازده بیت دارد که در سال ۷۰۰ هجری
در قالب مثنوی و بحر هزج مسدس در مدّتی کمتر از یک سال منظوم شده است. این
مثنوی، داستانی عاشقانه است که طبق قول خود شاعر، تحت تأثیر خسرونامه عطار
سروده شده است؛ البته شاعر در سرودن این منظومه، به آثاری چون خسرو و شیرین و
لیلی و مجنون نظامی نیز نظر داشته است. در واقع، ازهر و مزهر یک منظومه حماسی-
غنایی است که بیشتر حوادث و ماجراهایش در میدان‌های جنگ و مبارزه اتفاق
می‌افتد و در آن می‌توان به روشنی، قدرت نزاری را در خلق اثری غنایی که به فراخور
بحث، به حماسه هم توجه دارد، مشاهده کرد. مثنوی ازهر و مزهر در سال ۱۳۹۴ به
همّت محمود رفیعی چاپ شده است.

تحلیل و بررسی سبک‌شناسانه ازهر و مزهر از این جهت حایز اهمیت است که اولاً
بر روی این اثر با وجود اهمیتی که دارد، به‌جز یک مقاله که به آن اشاره خواهد شد،
تاکنون تحقیقی مستقیم انجام نگرفته است و از طرف دیگر، این اثر حاصل زمان
پختگی شاعر (۵۵ سالگی) است و می‌توان اطمینان داشت که نتایج حاصل از این
تحقیق و بیان ویژگی‌های سبکی ازهر و مزهر، نشانگر ویژگی‌های سبکی شعر نزاری
باشد.

درباره واژه سبک، از نظر لغوی و اصطلاحی، تعاریف گوناگونی نقل شده است.
در لسان‌العرب در ذیل واژه سبک آمده است: «سَبَكُ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَنَحْوَهُ مِنْ
الذَّائِبِ يَسْبُكُهُ وَيَسْبِكُهُ سَبْكَاً وَسَبَّكَةً. ذَوْبُهُ وَأَفْرَغُهُ فِي قَالِبٍ. وَالسَّبِيكَةُ الْقِطْعَةُ الْمُدْوَبَةُ
مِنْهُ، وَقَدْ انْسَبَكَ» (لسان‌العرب: «سبک»). یعنی سبک به معنی گداختن، ریختن و
قالب‌گیری کردن زر و نقره و سبیکه به معنی پاره زر و نقره گداخته و قالب‌گیری شده
مشق از آن است. بهار «سبک را معادل «استیل» اروپایی و آن را مأخوذ از لغت
«Style» یونانی به معنی «ستون» می‌داند (بهار، ۱۳۷۰: ۱۸).

فتوحی درباره معنای اصطلاحی سبک می‌گوید: «اصطلاح سبک که در زبان‌شناسی و ادبیات بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۳۴). صاحب‌نظران اروپایی نیز از این واژه، تعبیر مختلفی کرده‌اند. بوفن^۱، طبیعی‌دان و نویسنده قرن هجدهم فرانسه، به یک رابطه مساوی و برابر بین سبک و شخص معتقد است؛ به گونه‌ای که سبک و شخص را یکی می‌داند. وی می‌گوید: «سبک، خود شخص است» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۱۶). همچنین گفته شده است: سبک شیوه متمایز و برجسته‌ای از کاربرد زبان است که به منظوری خاص و برای ایجاد تأثیری ویژه به کار می‌رود (وردانک، ۱۳۹۳: ۲۵).

باتوجه به تعاریفی که از سبک شد، بدون تردید، بین سبک نوشته و اندیشه‌ها، اخلاق و روحیات نویسنده، رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ برقرار است. مسلماً سبک، زمانی مصداق می‌یابد و سبک می‌شود که نتیجه تکرار و تداوم باشد؛ تکرار در الفاظ، تکرار در معانی، تکرار در تعبیر و تکرار در بیان مضامین و افکار. این تکرارهاست که به سبک، جان می‌بخشد و آن را برجسته و متمایز می‌کند. فتوحی در این باره می‌گوید: «یکی از شاخصه‌های مهم سبک، مسئله تکرار و تداوم رفتارهای زبانی خاص، در یک پیکره متنی است» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۸).

سبک‌ها متفاوت‌اند؛ زیرا اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها یکسان نیست. نویسندگان و شاعران باتوجه به قابلیت‌های نامحدود زبان برای ادای یک معنا، متناسب با ذوق، اندیشه، فرهنگ و... ممکن است گزینش‌های بسیار متفاوتی داشته باشند؛ این گزینش‌ها سبک را می‌سازد. تا زمانی که هنجارها و معیارها در زبان رعایت شود، سبک شکل نمی‌گیرد.

سبک‌شناسی، علمی است که تلاش می‌کند بر اساس روش‌های مختلفی که تاکنون ابداع شده است، سبک‌های دوره‌ای و شخصی را بشناسد. این علم امروزه

اهمیتی خاص یافته است و از مهم‌ترین شیوه‌هایی است که به وسیله آن می‌توان ویژگی‌های هنری اثر یک هنرمند را از ابعاد و جنبه‌های مختلف تشخیص داد.

سبک‌شناسی، لایه‌ای ترکیبی از شیوه‌های سنتی و مدرن در تحلیل متون و آثار هنری است که به بررسی یک اثر در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک می‌پردازد. فتوحی درباره مزیت استفاده از روش لایه‌ای در سبک‌شناسی می‌نویسد: «مزیت روش لایه‌ای در آن است که بهره‌گیری از روش‌های متنوع را در هر لایه امکان‌پذیر می‌سازد و انگهی سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن، جداگانه مشخص می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۸).

۱-۱. روش تحقیق

در این جستار برای گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. ابزار گردآوری اطلاعات، برگه تحقیق (فیش) و روش تحلیل و تحقیق، توصیفی-تحلیلی و کمی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای است. با توجه به حجم بالای مثنوی ازهر و مزهر (حدود ۱۱۰۰۰ بیت)، از این منظومه بر مبنای فرمول کوکران^۱ نمونه‌گیری به عمل آمد و با استفاده از نرم‌افزار «notepad++» مصداق‌ها و بسامد و فراوانی آن‌ها جست‌وجو شد.

۲. پیشینه مطالعات

منظومه ازهر و مزهر در سال ۱۳۹۴ چاپ شده است و تاکنون به جز یک مقاله (شماره ۱) که به آن اشاره می‌شود، تحقیق مستقیمی بر روی آن انجام نگرفته؛ اما در مبحث سبک‌شناسی لایه‌ای، پژوهش‌هایی انجام شده است که در زیر، به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. مقاله «مقایسه وامق و عذرای ظهیر کرمانی با ازهر و مزهر حکیم نزاری قهستانی»، نویسندگان: حسن بساک و فاطمه بیگم سیدعصایی، ارائه شده در فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، بهار ۱۳۹۶، صفحات ۴۵-۵۳.
۲. مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار انقلابی و مذهبی طاهره صفارزاده (لایه آوایی و واژگانی)»، نویسنده: محمدرضا صرفی و مژگان ونارجی، ارائه شده در مجله ادبیات پایداری، ۱۳۹۴.
۳. مقاله «مؤلفه‌های زبانی و بلاغی سبک‌ساز در حجم سبز سهراب سپهری»، نویسندگان: شیرزاد طایفی و لیلا کمال‌خانی، ارائه شده در نشریه مطالعات بلاغی، ۱۳۹۲.
۴. مقاله «رمزگان و وجه دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قصاید ناصر خسرو»، نویسندگان: فهیمه خراسانی، غلام‌حسین غلامحسین‌زاده، مریم حسینی و محمد سعیدی مهر، ارائه شده در نشریه جستارهای زبانی، ۱۳۹۵.
۵. مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه»، نویسندگان: حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی، ارائه شده در فصلنامه پژوهش‌نامه، ۱۳۹۳.
۶. مقاله «نشانه‌شناسی آیات قران کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی»، نویسنده: زهرا محققیان، ارائه شده در مجله قرآن‌شناخت، ۱۳۹۳.
۷. مقاله «سبک‌شناسی دو لایه واژگانی و نحوی مجلس ششم مجالس سبعة مولانا جلال‌الدین»، نویسنده: نفیسه آقابزاز، ارائه شده در همایش ملی ادبیات غنایی، ۱۳۹۵.
۸. مقاله «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنگ وزیر»، نویسندگان: حسن دلبری، فریبا مهری، ارائه شده در متن‌شناسی ادب فارسی، ۱۳۹۴.
۹. مقاله «بازسازی مختصات واژگانی سبک‌ساز در ترجمه متن حدیث به فارسی»، نویسندگان: جلال مرامی و حسام حاج‌مؤمن، ارائه شده در نشریه مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۳.

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی _____ ۱۷۱

۱۰. مقاله «سبک‌شناسی لایه‌ای، توصیف و تبیین بافتمند سبک نامه شماره یک غزالی در دو لایه کاربردشناسی و نحو»، نویسندگان: ابوالقاسم قوام و مریم درپر، ارائه شده در نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، ۱۳۹۰.

۱۱. پایان‌نامه «سبک‌شناسی لایه‌ای واژه‌های بومی (اقلیمی) در غزل‌های محمدعلی بهمنی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، نویسنده: هادی خادمی، ۱۳۹۴.

۱۲. پایان‌نامه «بررسی سیر تحول سبک سیمین دانشور در رمان‌های سه‌گانه سووشون، جزیره سرگردانی و ساریان سرگردان»، نویسنده: اعظم محمدی شکوری، ۱۳۹۲.

۱۳. پایان‌نامه «سبک‌شناسی شعر شاعران زن از پیروزی انقلاب اسلامی تا دوران دفاع مقدس (طاهره صفارزاده، سپیده کاشانی، فاطمه راکعی)»، نویسنده: مژگان ونارجی، ۱۳۹۲.

۱. لایه نحوی

در دستور زبان نوین با رویکرد زبان‌شناختی، مباحثی چون آواشناسی و واج‌شناسی، واژه‌شناسی (صرف) و جمله‌شناسی (نحو) به همراه معناشناسی عناصر زبانی بررسی می‌شوند. واژه نحو^۱ به معنی نظم و ترتیب است. قاعده‌مند بودن زبان و داشتن نحو برای هر زبانی لازم و ضروری است. وحیدیان کامیار در این باره می‌نویسد: «از وظایف اصلی زبان، ارائه آسان‌ترین و درست‌ترین قواعد، به منظور برقراری ارتباط گفتاری یا نوشتاری است» (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۶: ۲). نحو هر زبان، از ساخت‌شناسی جمله‌های آن زبان سخن می‌گوید و شامل شیوه‌ها و اسلوب‌هایی است که با استفاده از آنها بتوان تکواژها را به گونه‌ای ترکیب کرد که واحدهای بزرگ‌تری ساخته شوند. هیدن الگین^۲ در کتاب *زبان‌شناسی چیست*، در تعریف نحو

1.Syntax.

2.Elgi,n Haden.

می‌نویسد: «نحو هر زبان غالباً به قواعدی اطلاق می‌شود که از همنشینی تکواژها، واحدهای بزرگ‌تری می‌سازد» (هیدن الگین، ۱۳۵۹: ۲۳).

درواقع، موضوع علم نحو، بررسی چگونگی چیدمان واژه‌ها برای ساخت جمله و روابط میان صورت‌های زبانی در جمله است. فتوحی در تعریف علم نحو می‌نویسد: «علم نحو عبارت است از مطالعه روابط میان صورت‌های زبانی در جمله و چگونگی توالی و نظم و همنشینی و چینش واژه‌ها» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۷). جرجانی (د ۴۷۴ق) در تأثیر نحو بر معنا می‌نویسد: فقط الفاظ معنا را نمی‌سازند، بلکه نحوه نظم واژه‌ها و شکل تألیف کلام در این مهم نقش دارد (جرجانی، ۱۳۷۴: ۲۷۹-۲۸۰).

برای ایجاد ارتباط و درک یک زبان، فقط استفاده از واژه‌ها و جملات و عبارات کافی نیست، بلکه باید توالی و چینش آن‌ها به گونه‌ای باشد که این ارتباط را هر چه بیشتر تسهیل کند. در کتاب پیکره نحوی زبان فارسی، نویسندگان معتقدند: «کشف ترتیب چینش واژه‌ها، جمله‌ها و عبارات در یک متن زبانی، فعالیت است که در پردازش نحوی باید صورت پذیرد» (رسولی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲). صورت‌های نحوی در شعر و نثر تا حدی متفاوت است. با توجه به اینکه شعر، قافیه دارد و باید در قالب هجاهای عروضی ارائه شود، محدودیت ایجاد می‌کند. ثمره در این باره می‌نویسد: «محدودیت‌های دیگری از قبیل وزن، قافیه، تعداد هجا (در شعر فارسی)، تکیه و جز آن، در شعر وجود دارد که در انتخاب واژگان و صورت‌های دستوری، تأثیر فراوان داشته است» (ثمره، ۱۳۶۴: ۴۵).

امروزه سبک‌شناسان به کیفیت ارتباط نحو و معنای سخن می‌پردازند و تلاش می‌کنند با شناخت این ارتباط، انواع سبک‌ها را تشخیص دهند. شیوه ترکیب و طرز قرار گرفتن ارکان جمله نیز سبک‌ساز است؛ چه بسا شاعران و نویسندگانی که در گزینش واژه‌ها یکسان عمل کرده‌اند، اما شیوه ترکیب و تقدّم و تأخّر واژه‌ها به گونه‌ای است که سبک‌ها را کاملاً متمایز می‌کند. گفته شده است: «ساختار نحوی، به آرایش

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی _____ ۱۷۳
واژگان در قالب جملات اطلاق می‌شود که با تغییر جایگاه عناصر سازنده یک جمله، صورت‌های نحوی مختلفی به دست می‌آید» (صفوی، ۱۳۸۳: ۲۲).

اندیشه و نحو، ارتباطی تنگاتنگ دارند. کیفیت پردازش جمله‌ها، بیانگر نوع اندیشه شاعر یا نویسنده است. فتوحی می‌نویسد: «ساخت اندیشه با نحو، پیوند آشکارتری دارد تا با واژه. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، نوع جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان، همگی بیانگر نوع اندیشه‌اند. بنابراین، کیفیات روحی و ذهنیات پنهان گوینده در عناصر نحوی بیشتر خودنمایی می‌کند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۶۷).

باتوجه به حجم بالای ازهر و مزهر (حدود ۱۱۰۰۰ بیت) و برای علمی و مستندبودن پژوهش در این جستار، از روش‌های نمونه‌برداری بر اساس فرمول کوکران استفاده شده است.، جامعه آماری، کلّ آیات و واحد تحلیل، جمله است و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، از هر بیست صفحه یک صفحه از ابعاد گوناگون سبک‌شناسی نحوی و به‌طور کامل بررسی خواهد شد؛ یعنی نمونه آماری ما به ترتیب صفحات ۵۱-۷۱-۹۱-۱۱۱-۱۳۱-۱۵۱-۱۷۱-۱۹۱-۲۱۱-۲۳۱-۲۵۱-۲۷۱-۲۹۱-۳۱۱-۳۳۱-۳۵۱-۳۷۱-۳۹۱-۴۱۱-۴۳۱-۴۵۱-۴۷۱-۴۹۱-۵۱۱ خواهد بود.

اکنون به مقوله‌های مربوط به لایه نحوی می‌پردازیم.

۱-۱. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۱-۱. ترتیب اجزای اصلی جمله

شیوه چینش اجزای اصلی جمله، از شاخصه‌های مهمی است که در تشخیص سبک یک اثر تأثیر بسزایی دارد. چیدمان واژه‌ها در جمله ممکن است به دو صورت دیده شود: ۱. چیدمان طبیعی (نحو معیار)؛ ۲. چیدمان نشان‌دار.

در سبک‌شناسی، مبنای تشخیص میزان هنجارگریزی نحوی یک اثر، نحو معیار یا پایه است. فتوحی می‌نویسد: «نحو پایه یا معیار، عبارت است از نظم سازنده زبان عادی که بیشترین جمله‌های یک زبان با آن تولید می‌شود» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۰).

شاعر یا نویسنده ممکن است به دلایل مختلف، از نحو معیار عدول کند و به هنجارگریزی و چیدمان نشان‌دار بپردازد. این جابه‌جایی با اهداف مختلفی از جمله تأکید، ارزش‌گذاری، ضرورت وزن و... انجام می‌پذیرد؛ برای مثال، معمولاً واژگانی که در آغاز جمله قرار می‌گیرند، از دیدگاه مؤلف، ارزش بیشتر و جایگاه والاتری دارند.

صاحب‌نظران در مورد اجزای اصلی جمله اختلاف نظر دارند. دستورنویسان جدید بر اساس مبانی زبان‌شناسی، جملات را بر مبنای اجزای اصلی به ترتیب زیر تقسیم می‌کنند.

جدول (۱) تقسیم جملات بر اساس اجزای اصلی

نهاد	گزاره
نهاد	گزاره (فعل) دوجزئی
(مسنندآلیه / فاعل)	گزاره (مفعول + فعل) سه‌جزئی مفعول‌دار
	گزاره (مسنند + فعل) سه‌جزئی مسنددار
	گزاره (متمم اجباری + فعل) سه‌جزئی متمم‌دار
	گزاره (مفعول + متمم اجباری + فعل) چهارجزئی مفعول متمم‌دار
	گزاره (مفعول + مسند (تمیز) + فعل) چهار جزئی مفعول مسنددار (تمیزدار)
	گزاره (مفعول + مفعول + فعل) چهارجزئی مفعول مفعول‌دار
	گزاره (متمم + مسند + فعل) چهارجزئی متمم مسنددار

(حق شناس و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۱-۶۶).

چیدمان‌های پایه و طبیعی، مربوط به زبان معیار و عادی بوده، اما چیدمان‌های نشان‌دار، معمولاً از شاخصه‌های مهم متن‌های ادبی و به‌ویژه شعر هستند. باتوجه‌به اینکه تشخیص نحو معیار در قرن هفتم و هم‌زمان با نزاری کاری دشوار است، در این پژوهش، منظومه‌ ازهر و مزهر با نحو معیار زبان فارسی امروز مقایسه شده است. در زیر، ابیاتی چند از این منظومه را برمی‌گزینیم و از نظر نوع چینش جمله‌ها بررسی می‌کنیم و در پایان، بسامد و جدول آمارگیری کل نمونه را ارائه می‌دهیم.

مکن ایام فرصت فوت و دریاب عنان از جانب طرزی دگر تاب (۴۳۲)

غزل تا چند در وصف غزالان طوافی کن سوی شوریده حالان (۴۳۳)

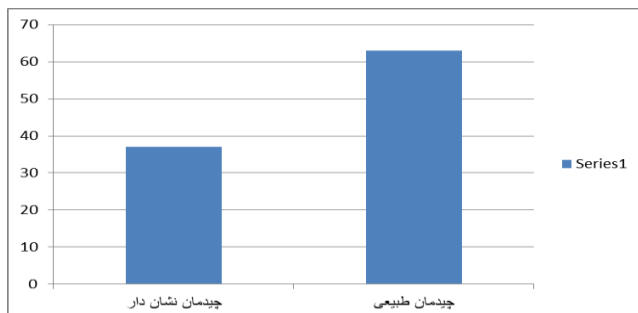
به دست آورده ام خوش داستانی ز کارافاده‌ای با دلستانی (۴۳۴)

در ابیات بالا، شاعر با زبان پند و اندرز، از مخاطب می‌خواهد فرصت را غنیمت شمارد و از عشق سخن گوید. این بیت‌ها شامل شش جمله است؛ در بیت اول، سه جمله به کار رفته است که جمله اول نشان‌دار و جمله دوم و سوم بی‌نشان است. در بیت دوم، دو جمله وجود دارد که جمله اول آن بی‌نشان و جمله دوم نشان‌دار است و بیت سوم، یک جمله بی‌نشان دارد. بنابراین، در سه بیت بالا، از شش جمله، سه جمله، نشان‌دار و سه جمله، بی‌نشان است. در جدول (۲) برای مستندبودن نتایج، تعداد جملات با چیدمان معیار (بی‌نشان) و چیدمان نشان‌دار در هر صفحه از نمونه منتخب نمایش داده می‌شود و سپس بر اساس تجزیه و تحلیل تمام نمونه‌ها، میزان درصد و نمودار آن ارائه خواهد شد.

جدول (۲) بسامد جملات نشان‌دار و بی‌نشان در نمونه مورد مطالعه

۲۷۱	۲۵۱	۲۳۱	۲۱۱	۱۹۱	۱۷۱	۱۵۱	۱۳۱	۱۱۱	۹۱	۷۱	۵۱	شماره صفحه
۴۶	۴۹	۴۶	۵۵	۴۹	۵۵	۴۷	۴۷	۴۷	۵۲	۵۱	۲۸	کل جملات
۲۴	۲۷	۲۱	۳۵	۲۸	۳۸	۳۱	۲۶	۳۲	۲۷	۳۲	۲۶	چینش طبیعی
۲۲	۲۲	۲۵	۲۰	۲۱	۱۷	۱۶	۲۱	۱۵	۲۵	۱۹	۲	چینش نشان‌دار
۵۱۱	۴۹۱	۴۷۱	۴۵۱	۴۳۱	۴۱۱	۳۹۱	۳۷۱	۳۵۱	۳۳۱	۳۱۱	۲۹۱	شماره صفحه
۵۳	۴۴	۴۲	۴۸	۴۹	۴۵	۴۸	۵۶	۴۸	۵۴	۵۲	۵۰	کل جملات
۴۴	۲۳	۲۸	۲۴	۲۹	۲۴	۳۶	۴۴	۲۶	۳۵	۳۴	۳۷	چینش طبیعی
۹	۲۱	۱۴	۲۴	۲۰	۲۱	۱۲	۱۲	۲۲	۱۹	۱۸	۱۳	چینش نشان‌دار

نمودار (۱) بسامد جملات نشان‌دار و بی‌نشان در نمونه مورد مطالعه



بر اساس جدول (۲) و نمودار (۱)، تعداد کل جملات در نمونه‌ها، ۱۱۶۱ جمله است که از این تعداد، ۷۳۱ جمله چیدمان بی‌نشان دارند و چیدمان ۴۳۰ جمله، نشان‌دار است. معمولاً در اشعار، به دلیل ویژگی‌های متون ادبی، درصد بالاتری از جملات، دارای چیدمان نشان‌دارند؛ اما براساس بررسی‌های انجام‌شده، این اثر با وجود آنکه شعر است، در آن، بسامد جملات با چیدمان بی‌نشان بیشتر است. چیدمان ابیاتی که به شیوهٔ روایی، داستان را روایت می‌کنند، بیشتر طبیعی و معیار است؛ اما ابیاتی که به توصیف پرداخته‌اند، چیش نشان‌دار و ادبی دارند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت زمانی که شاعر به روایت داستان پرداخته و کمتر دچار احساسات و عواطف بوده است، چیش جملات، طبیعی است؛ اما هنگامی که در توصیفاتش از لحظات سرشار از عشق، حسن معشوق، بی‌تابی عاشق، میدان‌های جنگ و مبارزه و... سخن می‌گوید و احساسات و عواطف در آن برجسته‌تر و پررنگ‌تر است، ناخودآگاه به هنجارگریزی نحوی دست زده، چیشی نشان‌دار را می‌طلبد.

۱-۲-۱. سبک و ساختمان جمله

بررسی سبک و ساختمان جمله‌ها از مؤلفه‌های دیگر لایهٔ نحوی سبک‌شناسی است. در این مقوله، شاخصه‌هایی مانند طول جمله‌ها، پیوند جمله‌ها، پیوستار بلاغی جمله‌ها (انسجام نحوی)، متغیرهای نحوی و تنوع سبک بررسی می‌شود.

۱-۲-۱-۱. طول جمله‌ها

طول جملات و میزان واژه‌های به‌کاررفته در هر جمله، با شیوهٔ تفکر و حالات روحی و روانی نویسنده یا شاعر ارتباط دارد و بررسی آن، ما را در شناخت سبک وی یاری می‌دهد. فتوحی در این باره می‌نویسد: «طول جمله، نسبتی با میزان درنگ و تأمل گوینده در یک واحد فکری دارد. بررسی میانگین واژه‌ها در جمله، ارزش سبک‌شناختی خاصی دارد. فراوانی جمله‌های کوتاه و منقطع در سخن، باعث شتاب سبک، سرعت اندیشه و هیجان‌انگیزی می‌شود و برعکس، فراوانی جمله‌های بلند، سبکی آرام را رقم می‌زند و جمله‌های مرکب تو در توی پیچیده، حرکت سبک را کند

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی _____ ۱۷۷
 می‌کند. سبک‌های مقطّع و پرشتاب، عاطفی‌تر و سبک‌های مرکّب، برهانی و
 منطقی‌ترند» (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵). البته گاه ممکن است طول جملات و میزان
 واژه‌های به‌کاررفته در یک جمله، متناسب با نوع مخاطب باشد و شاعر یا نویسنده از
 ایجاز یا اطناب به مقتضای حال مخاطب استفاده کند که در مورد این منظومه که برای
 عموم مردم نوشته شده است و مخاطب خاصی ندارد، صدق نمی‌کند. در زیر، ابیاتی از
 منظومه ازهر و مزهر گزینش شده است که از نظر طول جمله‌ها بررسی می‌شود و در
 پایان، نتایج حاصل از بررسی کل نمونه آماری ارائه خواهد شد.

به روی کار مزهر باز گُردم
 دمی با درد او دمساز گُردم (۱۳۴۰)
 ز ازهر گلستانی نو بر آرم
 ز مزهر داستانی نو بر آرم (۱۳۴۱)
 ز هر جا لشکری انبوه گشتند
 بر آن سرگشته اندوه گشتند (۱۳۴۲)

در نمونه بالا که شش جمله دارد، تمام جملات ساده، مستقل و کوتاه‌اند. ابیات
 اول، دوم و سوم، هر کدام از دو جمله مستقل کوتاه تشکیل شده‌اند و نزاری در قالب
 این مصراع‌های کوتاه، داستان را روایت می‌کند. در جدول (۳) تعداد جملات و تعداد
 واژه‌های هر صفحه و سپس میانگین طول جمله‌های هر صفحه در کل نمونه ارائه شده
 است.

جدول (۳) میانگین طول جمله‌ها در نمونه مورد مطالعه

شماره صفحه	۵۱	۷۱	۹۱	۱۱۱	۱۳۱	۱۵۱	۱۷۱	۱۹۱	۲۱۱	۲۳۱	۲۵۱	۲۷۱
مجموع واژه‌ها	۱۶۱	۲۵۸	۲۶۳	۲۶۶	۲۵۸	۲۷۸	۳۰۱	۲۶۱	۲۷۵	۲۵۶	۲۵۴	۲۶۰
مجموع جمله‌ها	۲۸	۵۱	۵۲	۴۷	۴۷	۴۷	۵۵	۴۹	۵۷	۴۶	۴۹	۴۶
میانگین طول جمله	۵/۷۵	۵/۰۵	۵/۰۵	۵/۶۶	۵/۴۸	۵/۹۱	۵/۴۷	۵/۳۲	۴/۹۱	۵/۵۶	۵/۱۴	۵/۶۵

۵۱۱	۴۹۱	۴۷۱	۴۵۱	۴۳۱	۴۱۱	۳۹۱	۳۷۱	۳۵۱	۳۳۱	۳۱۱	۲۹۱	شماره صفحه
۲۷۵	۲۴۰	۲۷۱	۲۸۷	۲۴۲	۲۸۸	۲۸۸	۲۶۷	۲۶۲	۲۶۳	۲۵۱	۲۶۳	مجموع واژه‌ها
۵۳	۴۴	۴۲	۴۸	۴۹	۴۵	۴۸	۵۶	۴۸	۵۴	۵۲	۵۰	مجموع جمله‌ها
۵/۱۸	۵/۴۵	۶/۴۵	۵/۹۷	۴/۹۳	۶/۴۰	۶	۴/۷۶	۵/۴۵	۴/۸۷	۴/۸۲	۵/۲۶	میانگین طول جمله

نظر به اینکه ما در زبان فارسی، داده‌ای با عنوان معیار میانگین طول جمله نداریم، بوستان سعدی را که نمونه فصاحت و بلاغت و ایجاز در زبان فارسی است، انتخاب و میانگین طول جمله‌ها را در یکی از حکایات این کتاب با عنوان «لقمان حکیم» از باب چهارم، برای مقایسه بررسی می‌کنیم.

جدول (۴) میانگین طول جمله‌ها در حکایت لقمان حکیم از بوستان سعدی

بررسی حکایت لقمان حکیم از بوستان سعدی		
میانگین طول جمله‌ها	تعداد واژه‌ها	تعداد جملات
۵/۰۳	۱۴۱	۲۸

میانگین طول جمله‌ها در نمونه مورد مطالعه از منظومه زهر و مزهر ۵/۴۱ به دست آمده است. این عدد در مقایسه با میانگین به دست آمده از حکایت لقمان حکیم (۵/۰۳) قابل ستایش و در خور توجه بوده، حاکی از کوتاهی جملات است.

عدد به دست آمده (۵/۴۱) نشان می‌دهد که شاعر در ترکیب جملات، بیشتر اجزای اصلی و ضروری را آورده است، جملات کوتاه، روشن و صریح هستند و با وجود آنکه نزاری قهستانی در اوج سبک عراقی می‌زیسته است، در این منظومه به کارگیری جملات بلند، تکرارها و توصیفات بیش از حد، پیچیدگی و اطاله کلام دیده نمی‌شود و می‌توان او را در این نوع کاربرد، از پیروان سبک خراسانی دانست.

۱-۱-۲-۲. پیوند جمله‌ها

پیوند جمله‌ها ممکن است به صورت سبک‌های گسسته، هم‌پایه، وابسته و متصل و تودرتو دیده شود.

۱-۱-۲-۲-۱. سبک گسسته

این شیوه بیشتر برای نثرهای روایی، به‌ویژه داستان به کار می‌رود؛ جملات پشت سر هم می‌آیند و موجب تحرک، پویایی و شتاب متن می‌شوند. محمود فتوحی دربارهٔ این سبک می‌نویسد: «این سبک، حامل گروهی از اندیشه‌های مستقل است که در جمله‌های کوتاه مقطع و مستقل بدون حرف ربط یا با حرف عطف واو، کنار هم قرار می‌گیرند» (همان: ۲۷۶).

۱-۱-۲-۲-۲. سبک هم‌پایه

این سبک، از جملات مستقل هم‌پایه‌ای تشکیل می‌شود که پیونددهندهٔ آن‌ها «واو» عطف است و دو یا چند جمله را در یک جایگاه دستوری قرار می‌دهد. فتوحی دربارهٔ این سبک می‌نویسد: «گاه جمله‌های مستقل، هم‌پایه‌اند و با واو عطف به هم معطوف می‌شوند» (همان: ۲۷۷).

۱-۱-۲-۳. سبک وابسته

این سبک، از جملات مرکب حاوی جملات پایه و پیرو تشکیل شده است که در آن ممکن است دو یا چند جمله به هم وابسته باشند. در این شیوه معمولاً اندیشه‌های مطرح شده در جمله‌ها نیز نسبت به هم وابستگی دارند. فتوحی می‌نویسد: «سبک وابسته از نوع سبک‌های ترکیبی است که در آن، جمله‌ها به هم وابسته‌اند و جمله‌های دوجزئی مرکب شرطی و بندهای پایه و پیرو، وابسته هم‌اند» (همان: ۲۷۷).

۱-۱-۲-۴. سبک متصل و تودرتو

در این سبک، از جملات مرکب طولانی و به‌هم‌پیوسته استفاده می‌شود که ساخت نحوی پیچیده‌ای دارند و پیونددهندهٔ این جملات، حروف ربط متفاوتی است. سبک مصنوع و متکلف را می‌توان در ردیف این شیوه به شمار آورد. فتوحی دربارهٔ این

سبک می‌نویسد: «گاه متن دارای جمله‌های مرکب بسیار طولانی و متشکل از چند بند و جمله‌واره است که ساخت نحوی تودرتو و پیچیده‌ای دارد» (همان: ۲۷۸). در زیر، ابیاتی از این منظومه را بررسی می‌کنیم و در پایان، نتایج حاصل از بررسی کل نمونه آماری را ارائه خواهیم کرد.

هلیل از عرض لشکر بازپرداخت ز لشکرگه جهانی نیز بر ساخت (۱۳۵۱)
برآمد پنج تومان در شمارش که شد جمع از یلان کارزارش (۱۳۵۲)
هر آن کس کان سپاه معتبر دید ز محشر پیش تر حشری دگر دید (۱۳۵۳)

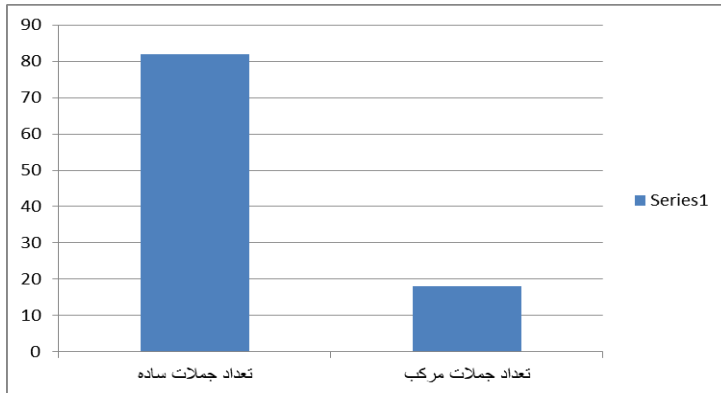
در ابیات بالا که در موضوع آماده‌شدن هلیل، برای جنگ با مزرهر سروده شده است، بیت اول شامل دو جمله کوتاه مستقل است که بدون حرف ربط به هم پیوند خورده‌اند، هر کدام از ابیات دوم و سوم نیز یک جمله مرکب هستند که هر یک، از دو جمله تشکیل شده است؛ اما این جملات با وجود آنکه مرکب‌اند، کوتاه و قابل درک هستند. در جدول (۵)، تعداد حروف ربط هم‌پایه، تعداد حروف ربط وابستگی و تعداد جملات مرکب و ساده، به تفکیک در هر صفحه نمونه ارائه می‌شود.

جدول (۵) بسامد حروف هم‌پایه، وابسته، جملات ساده و مرکب در نمونه مورد مطالعه

شماره صفحه	۵۱	۷۱	۹۱	۱۱۱	۱۳۱	۱۵۱	۱۷۱	۱۹۱	۲۱۱	۲۳۱	۲۵۱	۲۷۱
تعداد حروف هم‌پایه	۱	۲	۳	۴	۳	۱	۱	۲	۵	۱	۱	۱
تعداد حروف وابسته	۶	۹	۹	۶	۵	۶	۶	۴	۶	۵	۸	۹
تعداد جملات مرکب	۶	۹	۱۰	۸	۶	۶	۷	۵	۷	۷	۸	۱۰
تعداد جملات ساده	۱۶	۳۰	۳۸	۳۵	۳۶	۳۷	۴۱	۴۰	۴۲	۳۶	۳۱	۲۶

شماره صفحه	۲۹۱	۳۱۱	۳۳۱	۳۵۱	۳۷۱	۳۹۱	۴۱۱	۴۳۱	۴۵۱	۴۷۱	۴۹۱	۵۱۱
تعداد حروف هم‌پایه	۲	۱	۱	۰	۴	۰	۱	۴	۳	۱	۲	۲
تعداد حروف وابسته	۴	۵	۶	۸	۱۰	۱۱	۱۲	۴	۶	۶	۵	۱۱
تعداد جملات مرکب	۵	۷	۷	۹	۱۰	۱۱	۱۳	۷	۷	۸	۸	۱۲
تعداد جملات ساده	۴۱	۴۰	۳۹	۳۱	۳۶	۲۶	۲۱	۳۸	۳۵	۳۰	۳۱	۳۰

تحلیل سبکی لایه نحوی منظمه ازهر و مزهر نزاری قهستانی ۱۸۱
 نمودار (۲) بسامد حروف هم‌پایه، وابسته، جملات ساده و مرکب در نمونه مورد مطالعه



باتوجه به نمودار (۲)، تعداد کل جملات ساده و مرکب، ۹۹۹ جمله است. از این تعداد، ۱۹۴ جمله مرکب و ۸۰۵ جمله ساده است. باتوجه به نتایج به دست آمده، سبک این اثر، گسسته است؛ زیرا این سبک، ترکیبی از جملات کوتاه و دارای اندیشه‌های مستقل است که بیشتر برای روایت داستان‌ها از آن استفاده می‌شود؛ جملاتی که گاه بدون حرف «واو» و گاه همراه با «واو» در کنار هم قرار می‌گیرند. در نمونه مورد نظر نیز، جملات ساده و مستقل، ۸۰/۵۸ درصد را به خود اختصاص داده‌اند.

۱-۱-۳. نقش معنایی جمله‌ها

جملات از نظر پیام و محتوا چهار نوع هستند؛ جملات خبری، پرسشی، امری و تعجبی. جملات خبری جملاتی هستند که خبری را می‌رسانند و جملات پرسشی حاوی پرسش‌اند. جملات امری، انجام عملی را طلب می‌کنند و جملات تعجبی (عاطفی) جمله‌هایی هستند که یکی از عواطف و احساسات انسانی، مانند تعجب، تأسف، خشنودی، آرزو، دعا، نفرت، تحسین و... را بیان می‌کنند. احمدی گیوی و انوری، جمله را از نظر طرز بیان و چگونگی رساندن پیام، به چهار دسته خبری، پرسشی، امری و التزامی تقسیم می‌کنند و درباره هر کدام از انواع جملات توضیح می‌دهند (احمدی گیوی و انوری، ۱۳۶۸: ۲۴۴-۲۴۵).

گاه ممکن است صورت ظاهری و دستوری جملات، به دلایلی با نقش معنایی و منظوری آن‌ها مطابقت نداشته باشد؛ این امر به‌ویژه در متون ادبی اتفاق می‌افتد.

رحیمیان می‌نویسد: تقسیم جمله‌های زبان به خبری، پرسشی، امری و تعجبی به‌عنوان مقوله‌های دستوری، به‌ترتیب برای بیان مقوله‌های خبر، سؤال، فرمان و تعجب است؛ اما در کاربرد روزانه زبان، چه در گفتار و چه در نوشتار، ممکن است صورت دستوری جمله با نقش معنایی و منظوری آن مطابقت نداشته باشد (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۱۷).

هریک از این جملات، بیانگر حالات درونی شاعر یا نویسنده هستند و به ما در شناخت دیدگاه وی کمک می‌کنند؛ مثلاً جملات خبری، وقوع یا عدم وقوع فعل را با قطعیت بیان می‌کنند و از موضع اقتدار شاعر یا نویسنده سخن می‌گویند. در جملات تعجبی نیز ضمن دادن خبر، با آوردن ادات تعجبی، بر روی آن خبر تأکید می‌شود و در واقع می‌توان گفت قطعیت دارند. جملات امری، مانند جملات خبری و تعجبی، بیانگر ضرورت انجام عمل و قاطعیت‌اند؛ اما جملات پرسشی به‌جز پرسش‌های تأکیدی، معمولاً با شک و تردید همراه‌اند و قطعیت ندارند. اینک جملاتی از این منظومه را از نظر معنایی بررسی می‌کنیم.

بر آن ضربت جوانمرد آفرین کرد که رحمت بر چنان کس کاو چنین کرد (۲۲۴۴)
 ندانستند آن حالت که چون است؟ حساب عاشق از دفتر برون است (۲۲۴۵)
 به هر سو مژهر از قاتل نشان خواست ولیکن کس نبرد آن پی برون راست (۲۲۴۶)

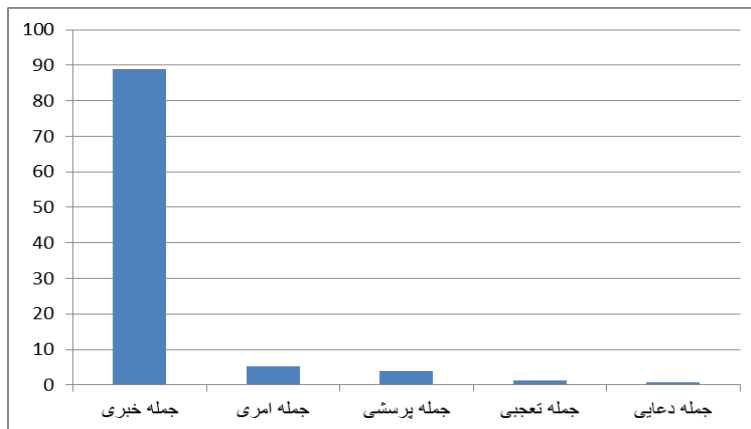
در نمونه بالا به‌جز جمله «چون است؟» که پرسشی است، تمامی جملات، خبری هستند و از قاطعیت و یقین شاعر درباره موضوع حکایت می‌کنند.

جدول (۶) بسامد انواع جملات از جهت نقش معنایی در نمونه مورد مطالعه

شماره صفحه	۵۱	۷۱	۹۱	۱۱۱	۱۳۱	۱۵۱	۱۷۱	۱۹۱	۲۱۱	۲۳۱	۲۵۱	۲۷۱
مجموع جمله‌ها	۲۸	۵۱	۵۲	۴۷	۴۷	۴۷	۵۵	۴۹	۵۷	۴۶	۴۹	۴۶
جملات خبری	۲۸	۴۷	۴۸	۴۵	۴۲	۴۴	۵۵	۴۹	۵۶	۴۲	۴۳	۴۴
جملات پرسشی	۰	۲	۳	۰	۳	۲	۰	۰	۰	۳	۴	۲
جملات امری	۰	۱۰	۰	۰	۱	۱	۷	۶	۵	۲	۰	۱
جملات عاطفی	۰	۲	۱	۲	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۱	۰
جملات داعی	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰

۵۱۱	۴۹۱	۴۷۱	۴۵۱	۴۳۱	۴۱۱	۳۹۱	۳۷۱	۳۵۱	۳۳۱	۳۱۱	۲۹۱	شماره صفحه
۵۳	۴۴	۴۲	۴۸	۴۹	۴۵	۴۸	۵۶	۴۸	۵۴	۵۲	۵۰	مجموع جمله‌ها
۵۰	۴۳	۴۱	۴۵	۴۸	۴۳	۴۶	۵۵	۴۴	۵۲	۴۳	۴۲	جملات خبری
۳	۰	۰	۳	۰	۰	۱	۱	۴	۱	۹	۴	جملات پرسشی
۵	۱	۰	۳	۰	۲	۰	۴	۱	۲	۰	۱۰	جملات امری
۰	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۰	۰	جملات عاطفی
۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۴	جملات دعایی

نمودار (۳) بسامد انواع جملات از جهت نقش معنایی در نمونه مورد مطالعه



اساس داده‌های جدول (۶) و نمودار (۳) در نمونه مورد مطالعه، از تعداد ۱۱۶۱ جمله، تعداد ۸ جمله دعایی، ۱۴ جمله تعجبی، ۴۵ جمله پرسشی، ۶۱ جمله امری و ۱۰۳۳ جمله خبری وجود دارد. ۰/۶۸ درصد جملات دعایی، ۱/۲۰ درصد جملات تعجبی، ۳/۸۷ درصد جملات پرسشی، ۵/۲۵ درصد جملات امری و ۸۸/۹۷ درصد جملات خبری‌اند. بنابراین، با توجه به نمودار و جدول داده‌شده، از تعداد کل ۱۱۶۱ جمله به کاررفته در نمونه مورد مطالعه، تعداد ۱۱۰۸ جمله با حدود ۹۴ درصد، حاوی قاطعیت و یقین نویسنده درباره موضوعات مطرح شده است.

۱-۴. بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو

الگوهای دستوری هر شاعر و نویسنده با دیدگاه و شیوه تفکر وی رابطه تنگاتنگی دارند و این ارتباط، انکارناپذیر است. بازتاب دیدگاه نویسنده در نحو، شامل وجهیت،

زمان و صدای دستوری و سبک است که ما در اینجا به مقوله‌های وجهیت و صدای دستوری در این منظومه می‌پردازیم.

۱-۴-۱-۱. وجهیت

به دنبال نظریات مایکل هلیدی^۱ زبان‌شناس انگلیسی و توسعه‌دهنده دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد، توجه به وجهیت در دستور کار سبک‌شناسان قرار گرفت و سبک‌شناسانی چون فالور^۲، هاج^۳، کرس^۴، سیمپسون^۵ و لیچ^۶ به مطالعه لایه نحوی، از نظر نوع وجه آن توجهی خاص کردند. نورمن فرکلاف^۷، زبان‌شناس و پژوهشگر انگلیسی، در این باره می‌نویسد: وجهیت، با اقتدار گوینده یا نویسنده ارتباط دارد؛ به تعبیر دیگر، وجهیت، ارزیابی گوینده یا نویسنده از صدق موضوع است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۳).

با بررسی وجهیت می‌توان به نگرش و دیدگاه گوینده یا نویسنده، نسبت به موضوعات مختلف پی برد و تلقی وی را از چیزی یا میزان اعتقاد او را درباره‌ی درستی مفهوم یک جمله حدس زد و همچنین، میزان پایبندی متن به عقاید و ایدئولوژی‌ها را از این طریق سنجید.

فرشیدورد معتقد است: «دستورنویسان فارسی در موضوع وجه فعل، اتفاق نظر ندارند و برخی با گسترش مقوله وجهیت مخالف‌اند و آن را تقلیدی از زبان‌های بیگانه می‌دانند» (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۳۹۶). باین حال بسیاری از دستورنویسان، وجهیت فعل را در بازتاب دیدگاه نویسنده مؤثر می‌دانند؛ اما در مورد انواع وجه فعل اختلاف نظر

1. Michael Halliday.
2. Fowler.
3. Hodge.
4. Corse.
5. Simpson.
6. lich.
7. Norman Fairclough.

وجود دارد. فروزنده و بنی طالب درباره وجه فعل می‌نویسند: «وجه فعل، آن دسته از ابزارهای دستوری است که دیدگاه گوینده را در فعل نشان می‌دهد» (فروزنده و بنی‌طالب، ۱۳۹۳: ۱). همه دستورنویسان، در وجه‌های اخباری، التزامی و امری، اشتراک نظر دارند. الگوی ما نیز در این جستار، همین تقسیم‌بندی خواهد بود.

۱-۱-۴-۱-۱. وجه اخباری

وجه اخباری، وقوع یا عدم وقوع فعل را با قطعیت و یقین بیان می‌کند. خانلری درباره وجه اخباری می‌نویسد: «وقوع کاری یا وجود حالتی را به اثبات یا نفی خبر می‌دهد» (خانلری، ۱۳۶۵: ۱۸۹). این وجه شامل تمام ساخت‌های ماضی، مضارع، آینده، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی نقلی و مضارع به‌کاررفته به‌جای ماضی می‌شود؛ زیرا حالت گوینده را در بیان خبر نشان می‌دهد.

۱-۱-۴-۱-۲. وجه التزامی

وجه التزامی، آن است که فعل بر اموری غیرقطعی از قبیل آرزو، میل، امید، دعا، خواست، شرط، شک، لزوم و مانند آن‌ها دلالت کند. خانلری در این باره می‌نویسد: «برای بیان کاری یا وجود حالتی است که باید انجام بگیرد یا انجام ییابد» (همان). وجه التزامی در ماضی التزامی و مضارع التزامی وجود دارد و معمولاً در جملات مرکب دارای پایه و پیرو می‌آید.

۱-۱-۴-۱-۳. وجه امری

وجه امری، مفهوم طلب، یعنی فرمان، خواهش و تمنا دارد. به‌کارگیری وجه امری نشان‌دهنده ضرورت انجام عمل است. خانلری درباره این وجه می‌نویسد: «بیان فرمانی است به ایجاب یا سلب» (همان). این افعال برای امر و نهی به کار می‌روند و به جملات حاوی این فعل‌ها، جمله‌های ترغیبی هم گفته می‌شود. در این وجه، زمان دستوری جملات مشخص نیست و به‌گونه‌ای می‌توان آن‌ها را به زمان آینده نسبت داد. در زیر، ابیاتی از این منظومه را از جهت وجه افعال بررسی می‌کنیم.

تو را گر کینه‌ای با من فتادست جوابش در سر تیغم نهادست (۱۷۸۲)

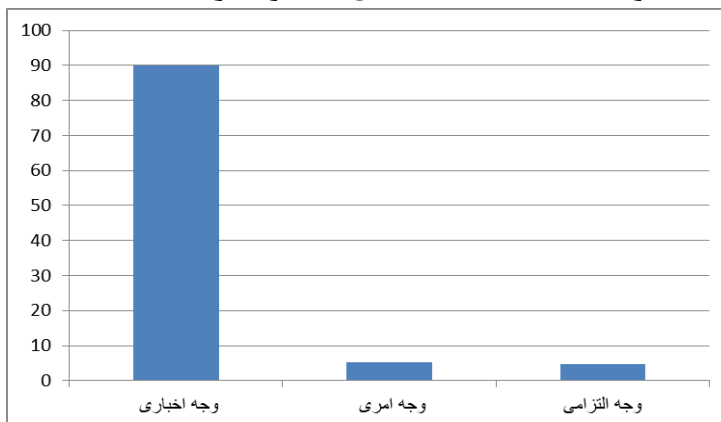
دلت گر با ضلالت همنشین است سنان روشنم باریک بین است (۱۷۸۳)
مکن چندین به خودینی تهور تهی کردن چه سنجد کاسه پر (۱۷۸۴)
در ابیات بالا، افعال «فتادست و نهادست»، ماضی نقلی و در وجه اخباری، افعال «است و سنجد»، مضارع ساده و در وجه اخباری و فعل «مکن»، نهی و در وجه امری آمده است.

جدول (۷) بسامد وجهیت فعل در نمونه مورد مطالعه

۲۷۱	۲۵۱	۲۳۱	۲۱۱	۱۹۱	۱۷۱	۱۵۱	۱۳۱	۱۱۱	۹۱	۷۱	۵۱	شماره صفحه
۴۶	۴۹	۴۶	۵۷	۴۹	۵۵	۴۷	۴۷	۴۷	۵۲	۵۱	۲۸	مجموع جمله‌ها
۴۳	۴۷	۴۱	۵۰	۴۳	۴۸	۴۸	۴۳	۴۳	۴۹	۳۹	۲۸	وجه خبری
۲	۲	۳	۲	۰	۰	۰	۳	۴	۳	۲	۰	وجه التزامی
۱	۰	۲	۵	۶	۷	۱	۱	۰	۰	۱۰	۰	وجه امری

۵۱۱	۴۹۱	۴۷۱	۴۵۱	۴۳۱	۴۱۱	۳۹۱	۳۷۱	۳۵۱	۳۳۱	۳۱۱	۲۹۱	شماره صفحه
۵۳	۴۴	۴۲	۴۸	۴۹	۴۵	۴۸	۵۶	۴۸	۵۴	۵۲	۵۰	مجموع جمله‌ها
۳۹	۴۳	۴۱	۴۴	۴۹	۳۸	۴۶	۴۸	۴۴	۴۸	۵۱	۳۷	وجه خبری
۹	۰	۱	۱	۰	۵	۲	۴	۳	۴	۱	۳	وجه التزامی
۵	۱	۰	۳	۰	۲	۰	۴	۱	۲	۰	۱۰	وجه امری

نمودار (۴) بسامد وجهیت فعل در نمونه مورد مطالعه



باتوجه به آمار داده شده در جدول (۷) و نمودار (۴)، از تعداد ۱۱۶۱ جمله، ۵۴ جمله در وجه التزامی، ۶۱ جمله در وجه امری و باقی جمله‌ها، یعنی ۱۰۴۶ جمله در وجه خبری است؛ یعنی ۴/۶۵ درصد از جملات در وجه التزامی، ۵/۲۵ درصد در وجه امری و ۹۰/۰۹ درصد جملات در وجه اخباری است. بر این اساس، بیش از ۹۰ درصد جملات وجه خبری دارند. وجه خبری، از اطمینان و یقین و موضع اقتدار گوینده در بیان خبر حکایت می‌کند. کاربرد ۹۰ درصدی وجه اخباری در این نمونه نشان می‌دهد نزاری به درجه‌ای از درک رخدادها و حوادث داستان رسیده است که آن‌ها را باور دارد و حقیقت می‌بیند و رابطه و فاصله وی با شخصیت‌ها و حوادث داستان، نزدیک و صمیمی است. در واقع، نزاری با استفاده از وجه اخباری توانسته است در کنار روایت داستان، ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ با رخدادها و حوادث نقل شده برقرار کند.

۱-۴-۱. صدای دستوری و سبک

«صدای دستوری عبارت است از رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرایند فعلی» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۹۵). صدای دستوری، همان حالتی است که با خواندن یک جمله و دیدن فعلش به ذهن می‌رسد. در تقسیم صداهای دستوری در زبان‌های مختلف، اختلاف نظر وجود دارد، اما رایج‌ترین این تقسیم‌بندی شامل صدای فعال، منفعل و انعکاسی است. هر گاه نهاد جمله، انجام‌دهنده یک کار یا کنشگر باشد، صدای دستوری، فعال است. در صدای منفعل، نهاد در جایگاه پذیرنده عمل قرار می‌گیرد. این کاربرد، زمانی اتفاق می‌افتد که به دلایلی حضور فاعل می‌باید ناشناخته یا کم‌رنگ بماند. در زبان فارسی، ساخت‌های جملات مجهول و شبه‌مجهول، جملات اسنادی و وجه مصدری این ویژگی را دارند. فتوحی در تعریف صدای انعکاسی می‌نویسد: «وقتی در جمله، فاعل و مفعول یا مبتدا و خبر، یک مرجع دارند، صدای نحو، انعکاسی می‌شود "خودم را زدم"» (همان، ۱۳۹۱: ۳۰۰).

بسیاری معتقدند صداهای دستوری انعکاسی از زیرمجموعه‌های صداهای فعال هستند. آنان معتقدند در این نوع جملات، بازتاب فعل به فاعل برمی‌گردد و نیازی به

تفکیک صدای انعکاسی نیست (قربان صباغ و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۹۳). ما در اینجا مبنای کار را صدای فَعَال و غیرفعال قرار می‌دهیم و به مثال‌هایی چند از این منظومه در تجزیه و تحلیل این مبحث می‌پردازیم.

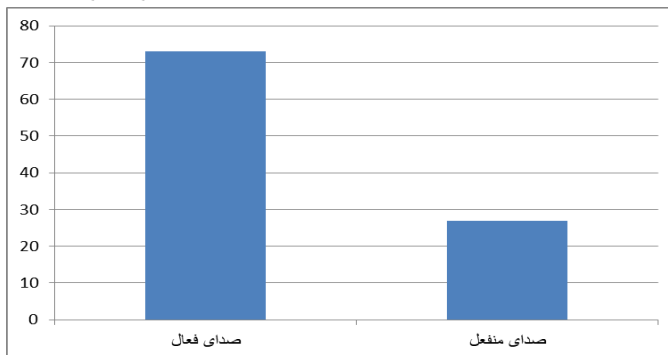
روا باشد که عشاق پریشان وفاداری بیاموزند از ایشان (۴۳۸)
تو هم سیری کنی در عشق‌بازی خوش آید عشق اگر باشد نمازی (۴۳۹)
بیا القصّه با این قصّه پرداز برای عاشقان نو تحفه‌ای ساز (۴۴۰)

در ابیات بالا فعل‌های «باشد، آید (شود) و باشد»، اسنادی هستند و صدای منفعل دارند و افعال «بیاموزند، کنی، بیا، پرداز و ساز» که در آن‌ها، فاعل کنشگر است، صدای فَعَال دارند. در جدول (۸)، بسامد کلّ افعال و صدای فَعَال و غیرفعال در نمونه محاسبه شده است.

جدول (۸) بسامد کلّ افعال و صدای فَعَال و غیرفعال در نمونه مورد مطالعه

۲۷۱	۲۵۱	۲۳۱	۲۱۱	۱۹۱	۱۷۱	۱۵۱	۱۳۱	۱۱۱	۹۱	۷۱	۵۱	شماره صفحه
۴۴	۴۹	۳۷	۵۱	۴۲	۴۱	۴۲	۳۷	۴۶	۵۴	۴۹	۲۳	کلّ افعال
۲۳	۳۶	۲۹	۳۰	۲۸	۲۶	۳۲	۲۴	۳۲	۴۸	۳۴	۲۴	صدای فَعَال
۱۱	۱۳	۸	۲۱	۱۴	۱۵	۱۰	۱۳	۱۴	۶	۱۵	۱۳	صدای منفعل
۵۱۱	۴۹۱	۴۷۱	۴۵۱	۴۳۱	۴۱۱	۳۹۱	۳۷۱	۳۵۱	۳۳۱	۳۱۱	۲۹۱	شماره صفحه
۴۶	۳۹	۲۹	۴۳	۴۱	۵۰	۴۲	۵۲	۴۷	۴۹	۴۷	۴۶	کلّ افعال
۳۰	۲۹	۲۱	۳۷	۳۳	۳۷	۲۹	۳۴	۲۸	۴۲	۳۱	۳۹	صدای فَعَال
۱۶	۱۰	۸	۶	۸	۱۳	۱۳	۱۸	۱۹	۷	۱۶	۷	صدای منفعل

نمودار (۵) بسامد کلّ افعال و صدای فَعَال و غیرفعال در نمونه مورد مطالعه



بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۸) و نمودار (۵)، از تعداد کل ۱۰۹۳ فعل، ۷۹۹ مورد با ۷۳/۱۰ درصد، صدای فَعَال و ۲۹۴ مورد با ۲۶/۸۹ درصد، صدای دستوری منفعل دارند. بنابراین، کاربرد صدای فَعَال در این منظومه کاملاً برجسته است. با توجه به موضوع این منظومه، این گزینش، طبیعی و به جا است. منظومه ازهر و مزهر اثری حماسی- غنایی است که تصویرگر میدان‌های جنگ و نبرد است، از دلیری‌ها و رشادت‌های قهرمانانی سخن می‌گوید که در صحنه، حضور فَعَال دارند، از تلاش‌های بی‌وقفه و مستمر عاشق برای وصال معشوق حکایت می‌کند؛ بنابراین، فاعلی کنشگر می‌طلبد.

به طور کلی در اشعار حماسی و اجتماعی، نقش فاعل بسیار مهم و قابل توجه است. شخصیت‌های اصلی داستان، یعنی ازهر و مزهر، هر دو ظلم‌ستیز و عدالت‌جو هستند و شاعر با الگو قرار دادن این دو شخصیت، در جست‌وجوی مردمی مبارز و عدالت‌طلب است. در منظومه ازهر و مزهر با توجه به اوضاع نابسامان اجتماعی و حمله مغولان و ایران اشغال‌شده، باید فاعل، فَعَال و کنشگر باشد، در غیر این صورت، اهداف و آرمان‌های شاعر تحقق نخواهد یافت.

نتیجه

بررسی‌های انجام شده بر روی این منظومه نشان می‌دهد چینش بیش از ۰/۶۰ واژگان در این اثر، بی‌نشان و معیار است. معمولاً شاعر در ابیاتی که داستان را روایت می‌کند، چینش بی‌نشان دارد؛ اما آنجا که به توصیف صحنه‌های جنگ و قهرمانان میدان نبرد، وصف عاشق و معشوق و فضاهای عاشقانه، توصیف شب و روز، طلوع و غروب خورشید و... می‌پردازد، زبانش ادبی شده، چینش بی‌نشان واژگانش، نشان‌دار می‌شود. میانگین طول جمله‌ها در این منظومه، کوتاه و ۵/۴۱ واژه است؛ یعنی جمله‌ها کوتاه، روشن و صریح هستند. بیش از ۰/۸۰ درصد از جملات، مستقل و ساده‌اند؛ در نتیجه، پیچیده نیستند و ابهام ندارند و به تعبیر فتوحی، سبکی گسسته دارند.

نتایج حاصل از بررسی‌های انجام‌شده بر روی وجهیت و نقش معنایی جملات نشان می‌دهد ۹۰/۰۹ درصد جملات، در وجه اخباری و ۸۸/۹۷ درصد جملات خبری هستند و این درصد بالا، از اطمینان و یقین نزاری و موضع اقتدار وی در بیان گزاره‌ها حکایت می‌کند. در واقع، نزاری با استفاده از وجه اخباری، بسیاری از اعتقادات و عواطف خویش را در قالب جمله‌های خبری بیان کرده است و در کنار روایت داستان، ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با رخدادها و حوادث نقل‌شده برقرار می‌کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ۷۳/۱۰ درصد از جملات، دارای صدای فعال و ۲۶/۸۹ درصد صدای منفعل دارند و این حکایت از آن دارد که نزاری به‌خوبی توانسته است رسالت یک منظومه حماسی - غنایی را بر دوش کشد و به مخاطب منتقل کند؛ یعنی حضور برجسته قهرمانان و پهلوانان، تلاش‌های بی‌وقفه و مستمر عاشق برای وصال معشوق، ظلم‌ستیز و عدالت‌جو بودن دو قهرمان اصلی داستان و...، همه بازتابی از صدای فعال در این منظومه است.

منابع

- ابن منظور (۱۴۰۵ق)، **لسان‌العرب**، قم: نشر ادب حوزه.
- احمدی گیوی، حسن و حسن انوری (۱۳۸۰)، **دستور زبان فارسی**، چ ۱۴، تهران: فاطمی.
- بای‌بوردی، چنگیز غلام‌علی (۱۳۷۰)، **زندگی و آثار نزاری**، ترجمه مهناز صدری، تهران: علمی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۰)، **سبک‌شناسی**، چ ۵، تهران: امیرکبیر.
- رسولی، محمدصادق و دیگران (۱۳۹۳)، **پیکره نحوی زبان فارسی**، چ ۱، تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
- ثمره، عبدالله (۱۳۶۴)، **آواشناسی زبان فارسی - آواها و ساخت هجایی آوا**، چ ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، **اسرارالبلاغه**، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: دانشگاه تهران.
- حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران (۱۳۸۳)، **زبان فارسی ۳**، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

تحلیل سبکی لایه نحوی منظومه ازهر و مزهر نزاری قهستانی _____ ۱۹۱

- خراسانی، فهیمه، غلام‌حسین‌زاده، غلام‌حسین و دیگران (۱۳۹۵)، **رمزگان و وجه دو عامل متمایزکننده در سبک‌شناسی گفتمانی قاصید ناصر خسرو**، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۴، صص ۱۷۵-۱۹۳.

- رحیمیان، جلال و کاظم شکری احمدآبادی (۱۳۸۱)، **نقش‌های معنایی - منظوری جملات پریشی در غزلیات حافظ**، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره ۱۸، شماره ۳۵، صص ۱۷-۳۴.

- شمس‌ا، سیروس (۱۳۷۲)، **کلیات سبک‌شناسی**، تهران: فردوس.

- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸)، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس.

- صفوی، کورش (۱۳۷۳)، **از زبان‌شناسی به ادبیات**، چ ۱، تهران: چشمه.

- غلام‌رضایی، محمد (۱۳۸۷)، **سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو**، چ ۳، تهران: جامی.

- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، **سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، چ ۱، تهران: سخن.

- فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۸)، **درباره ادبیات و نقد ادبی**، چ ۳، تهران: امیرکبیر.

- فروزنده، مسعود و امین بنی‌طالب (۱۳۹۳)، **بازتاب دیدگاه شاعر در نحو منظومه ویس و رامین**، متن‌شناسی ادب فارسی دانشگاه اصفهان، سال ۶، شماره ۲، صص ۱-۲۲.

- قربان‌صباغ، محمودرضا و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳)، **سبک‌شناسی نحوی داستان قفس صادق چوبک بر اساس صدای دستوری**، فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال ۲، شماره ۵، صص ۳۰-۵۵.

- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۵)، **تاریخ زبان فارسی**، چ ۱، تهران: نشر نو.

- وردانک، پتر (۱۳۹۳)، **مبانی سبک‌شناسی**، ترجمه محمد غفاری، چ ۱، تهران: نشر نی.

- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۸۶)، **دستور زبان فارسی**، چ ۳، تهران: سمت.

- هیدن الگین، سوزت (۱۳۵۹)، **زبان‌شناسی چیست**، ترجمه سیدمحمدضیاء حسینی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران.

- Fairclough, N. (2003), **Analysing Discourse Textual Analysis for Social Research**, London and New York: Routledge.

